



آیین فال کوزه در جنت‌آباد سده بیرجند

نعمت‌الله سالخورده

فال در اصطلاح و برداشت مردم منطقه به مجموعه کارهایی گفته می‌شود که افراد با به کارگیری ابزارهایی چون آینه، تسبیح، نخود، کتاب و... به انجام آن می‌پردازند.

استفاده می‌کنند و درباره نیت خود و شنیدن یا رسیدن خبر خوش به فال متوسل می‌شوند، هر چند این کار تأثیر چندانی در اراده و نیروی عقلانی آنها ندارد و می‌توان گفت که معمولاً اغلب مردم تفأل را به چشم یک نوع تفریح و دلخوشی و انبساط خاطر می‌نگرند.

فال در اصطلاح و برداشت مردم منطقه به مجموعه کارهایی گفته می‌شود که افراد با به کارگیری ابزارهایی چون آینه، تسبیح، نخود، کتاب و... به انجام آن می‌پردازند.

دلیل انتخاب عنوان «فال کوزه» نقش کوزه در آن است. کوزه یا کندل (kandel) کوزه معمولی نگهداری آب است که دهانه آن را طوری شکسته‌اند که یک نفر

در نگاهی کوتاه به سیر فرهنگ مردم یک سرزمین و دقت در جلوه‌های فرهنگ عامه می‌توان پی‌برد به این که عقاید، آداب و رسوم آن تا چه حد متأثر از محیط زندگی و نحوه امرار معاش آن قوم است.

محیط آرام و پر از صفا و صمیمیت یک روستا تأثیر شگرفی در باورها و سنت‌های رایج بین مردم آن دارد. مردم روستای سده بیرجند هم از این قاعده جدا نیستند، هر چند ممکن است مراسمی مانند «فال کوزه» و فال‌هایی از این دست به دور از خرافه و باورهای ناپسند و نامعقول نباشد، اما مراسم فال کوزه برای اهالی جالب است و گاهی در گردهمایی و در کنار هم به سربردن اثر خوبی دارد.

امروزه در روستاهای بیرجند به ویژه در جنت‌آباد سده این کار که در آن جنبه تفریحی و سرگرمی غالب است به طریقه سنتی اجرا می‌شود.

فال در لغت به معنی آن چیزی است که به خیر و خوبی از آن تعبیر شود. بعضی‌ها از وسایلی مثل کوزه، ریگ، نخود، کتاب، شعر و... در اجرای مراسم تفأل

می‌تواند به راحتی دست خود را داخل آن ببرد. بعضی‌ها به این کوزه‌ها «سبو» می‌گویند. در روستا یک یا چند کوزه مخصوص فال وجود دارد که به «خوش‌فال» بودن معروفند.

به مراسم «فال کوزه» در جنت‌آباد «کندل‌اندازی» هم می‌گویند. چون ریگ‌ها و نشانه‌های کوچک را (گاهی به نام قرعه) در کوزه‌ها می‌اندازند پسوند «اندازی» را به همین اعتبار به آن اضافه کرده‌اند.

ریگ

سنگ‌هایی کوچک که اندازه آن از نخود بزرگ‌تر است و کسی که می‌خواهد در رسم فال کوزه شرکت کند یکی دو روز قبل یک ریگ را انتخاب می‌کند و آن را به عنوان نماینده حاجتش به مراسم می‌برد. ریگ باید در شکل ظاهری دارای علامت مشخصی باشد که صاحب آن بتواند به خوبی آن را بشناسد. گاهی به جای ریگ از دیگر اشیا مثل: انگشتر، مهره، دگمه و... استفاده می‌کنند.

پارچه سیاه

برای پوشاندن دهانه کوزه یک پارچه سیاه‌رنگ نیاز است که نور به داخل کوزه نفوذ نکند.

زمان مراسم

مراسم کوزه در هر زمان برگزار نمی‌شود و در زمان خاصی از سال می‌توان این مراسم را به طور رسمی برگزار کرد. این کار بدون هدف نیست و نشانه‌های خاصی شب اجرای مراسم فال کوزه را رسمیت و

مقبولیت می‌دهد.

بنابراین، این آیین در شب یا شب‌هایی از سال برپا می‌شود که اتفاقی ویژه در آن به وقوع بپیوندد، مثل شب چهارشنبه‌ای که مقارن باشد با شب چهاردهم ماه (قمری) که در آن شب ماه بدر و کامل باشد و درخشش آن به اوج برسد.

می‌گویند: «چهارشنبه و چهارم مراد». یعنی چنین چهارشنبه خوش‌یمن و مبارک خواهد بود و امکان برآورده شدن آرزو و مراد از چهار طرف مورد اقبال و پذیرش قرار می‌گیرد.

عده‌ای از مردم بر این باورند که مقصود از انتخاب شب چهاردهم برای توسل به چهارده معصوم پاک(ع) است و بهره‌مند شدن از کرامات این بزرگواران. بنابراین اصطلاحی را به کار می‌برند و می‌گویند: «چهارشنبه و چهار مراد و چهارده معصوم(ع)». بنا به آنچه آمد ممکن است در یک سال دو الی سه مرتبه تقارن و برخورد چهارشنبه^۱ و چهاردهم ماه صورت بگیرد.

محل برگزاری

هرچند اجرای مراسم به جا و محلی خاص نیاز ندارد، ولی در شب‌نشینی‌ها با پیشنهاد و دعوت میزبان و فراهم شدن وسایل، برپایی این آیین را در خانه‌ای اعلام می‌کنند.

گاهی ممکن است کسی نذری داشته باشد و موضوع

۱. بنا به روایت محمدعلی دهقان‌نژاد هر ماه که با روز پنجشنبه «نو» (آغاز) شود، چهاردهم آن مصادف است با شب چهارشنبه.

در گذشته خبر برپایی مراسم فال کوزه در روستا به وسیله منادی جار زده می‌شد و حضور در مراسم با توجه به بافت آبادی و نزدیکی و قرابت آنها منعی نداشت.

دچار تردید شده،

– یکی به دنبال ازدواج است و می‌خواهد به قول معروف بختش باز شود.

– زنی باردار که می‌خواهد زودتر از جنس نوزادش آگاهی یابد.

– کسی عزیز در سفر دارد و منتظر است که خبر خوشی از او بشنود.

بعضی‌ها هم از سر کنجکاوی و تفریح به خیل تفال کننده‌ها می‌پیوندند که تعدادشان هم زیاد است. در گذشته خبر برپایی مراسم فال کوزه در روستا به وسیله منادی جار زده می‌شد و حضور در مراسم با توجه به بافت آبادی و نزدیکی و قرابت آنها منعی نداشت و همه می‌توانستند در آن شرکت کنند، ولی ممکن است بعضی‌ها فال کوزه را در یک جمع کوچک‌تر محدود و خانوادگی انجام دهند و دعوت به صورت عام صورت نگیرد.

میزبان کوزه را آماده می‌کند و تا قبل از غروب دوشنبه هر کس به آنجا مراجعه کند می‌تواند ریگ یا نشانه خود را در کوزه بیندازد. در این کار افراد ریگ خود را به کسی نشان نمی‌دهند و بعد از نیت و خواندن دعا و فرستادن صلوات، نشانه را داخل کوزه می‌اندازند.

بعد از غروب دوشنبه مهلت ریگانداختن تمام می‌شود.

آن هم برپایی فال کوزه باشد. در چنین حالتی (بعد از برآورده شدن نذر) صاحب نذر در خانه خود بساط برپایی فال کوزه را مهیا می‌کند.

روستای جنت‌آباد را می‌توان کانون برپایی آیین فال کوزه نامید. ولی بنا به نقل معمرین و دنیادیده‌ها اولین بار این رسم را شخصی در روستای «جلگه رخ» باب کرده و بعداً اهالی آبادی‌های دیگر آن را آموخته و به زادگاه خود برده‌اند.

شرکت کننده‌ها

اشخاصی که در «فال کوزه» شرکت می‌کنند را می‌توان به دو دسته عمده تقسیم کرد: تماشاچی‌ها و صاحبان حاجت که اکثریت با تماشاگراهاست که در مراسم قرعه و فال نقشی ندارند و از مهمان‌ها و کودکان مجلسند، ولی برای دیدن مراسم و شنیدن آوازه‌ها و موسیقی‌های محلی و شادی مراسم جذب شده‌اند.

شرکت کننده‌های اصلی که تعداد آنها محدود است صاحب آرزو و حاجت هستند و خواستارند تا تفالی بزنند. البته گرم کننده‌های مجلس هنرمندان محلی منطقه‌اند که از آنها دعوت می‌شود و در مقاطعی از مراسم «چهار بیتی»^۱ می‌خوانند، نی می‌نوازند و محفل فال را گرم می‌کنند.

حاجتمندانی که می‌خواهند صاحب فالی شوند، ممکن است از هر قشر و گروهی باشند، مثلاً:

– یکی کاسب است که در خرید و فروش کالایی

۱. چهاربیتی نام دوبیتی در محل است که چهار مصرع دارد با سه مصرع هم‌وزن، ولی اهالی هر مصرع را یک بیت حساب می‌کنند.

دفن کوزه

میزبان پارچه سیاه رنگ را به دهانه کوزه می‌اندازد و در آن را محکم می‌بندد و با پارچه‌ای دیگر کوزه را کاملاً می‌پوشاند و آن را به مطبخ (محل پختن نان) می‌برد و در زیر خاکستر تنور خاموش دفن می‌کند. کار دفن کوزه باید با دست دختر نابالغی انجام گیرد. در باورها درباره این عمل دو دلیل وجود دارد: اول این که اهمیت و محبوبیت جنس مؤنث در نزد خداوند است و دوم این که معصوم بودن کودکان به قداست مراسم بهره می‌بخشد.

کوزه به مدت ۲۴ ساعت دست‌نخورده در زیر خاکستر باقی می‌ماند. البته تنوری را انتخاب می‌کنند که حتی‌المقدور در شب چهاردهم ماه و قبل از شروع مراسم نور ماه (مهتاب) به تنور و محل نگهداری کوزه بتابد. انتخاب مطبخ برای دفن کوزه فال هم برای این است که محل طبخ نان را مکانی پربرکت می‌دانند که تأمین‌کننده رزق و روزی خانواده است.

پذیرایی

صاحب‌خانه از مهمان‌های دعوت‌شده و کسانی که نشانه خود را در کوزه انداخته‌اند پذیرایی مرسوم را به عمل می‌آورد و ممکن است شام هم به مدعوین بدهد، اما برای پذیرایی وجود «خاشوک» (xāšuk) در مجلس حتمی است. مجموعه خاشوک به آجیل خاص محل و خوردنی‌هایی گفته می‌شود که در مراسم شادی میل می‌کنند، مثل: تخم هندوانه بوداده، نخودچی کشمش، مویز (در محل، mamyz) عنب، کنو (keno) (شاهدانه بو داده) و شیرینی‌های محلی.

شروع مراسم

صاحب‌خانه بعد از پذیرایی از حاضران به مطبخ می‌رود و در حالی که صلوات می‌فرستد کوزه را برمی‌دارد، پارچه روی آن را باز می‌کند و به مجلس می‌رود. با گذاشتن کوزه فال در وسط مجلس و پهن کردن پارچه سیاه در کنار آن و صلوات همه، مراسم رسماً شروع می‌شود.

یک نفر که دویتی‌های زیادی از حفظ دارد و از صدای خوشی هم بهره‌مند است در کنار کوزه رو به قبله می‌نشیند و صلواتی طلب می‌کند و ابتدا چند شعر را برای افتتاح مراسم می‌خواند.

اشعار به نام خدا و در مدح و منقبت ائمه (ع) است و در ادامه دویتی‌هایی خوانده می‌شود که برای برآورده شدن حاجات و اجابت دعاست.

من بنده لا اله الا اللهام

از دین محمد رسول اللهام

در مهر نبوت رسول ثقلین

خاک قدم علی (ع) ولی اللهام

شاهها که نشسته‌ای تو شاه همه‌ای

در مجلس درویشان چراغ همه‌ای

در روی هوا ستاره‌ها بسیار است

خورشید جهان تو آفتاب همه‌ای

علی دیدم علی در خواب دیدم

علی در مسجد و محراب دیدم

علی دیدم که بر دلدل سواره

چو قنبر در رکابش می‌دویدم

علی شاه‌ها علی شاه‌ها علی شاه
علی مشکل‌گشای عادل الله
اگر خواهی که نیفتی در سیه چاه
علی را یاد کن در سحرگاه

مولای علی رنگ مرا زرد مکن
محتاج مرا به هیچ نامرد مکن
دستی زده‌ام به دامن دولت تو
تو دست مرا ز دامنت پرت مکن

شب چهارشنبه بود و چهارده ماه
نیت کرده‌ام نشینم بر سر راه
به من میگن نیت ماکو^۱ و مانشی^۲
که یار تو میاد امروز و فردا

بعد از این که دوبیتی‌خوان ابیات افتتاح را خواند، دعا می‌کند و صلواتی از حاضران می‌طلبد و در حالی که به سوی قبله نشسته است دست در کوزه می‌برد و ریگی را برمی‌دارد.

قبل از این که ریگ را نشان بدهد یک دوبیتی می‌خواند و با نشان دادن ریگ از صاحب آن نشانه یا قرعه می‌خواهد خود را معرفی کند.

بزرگان و ریش سفیدان بنا به سلیقه و برداشت خود از شعر و همین‌طور با توجه به صاحب قرعه دوبیتی را تعبیر و تفسیر می‌کنند و صاحب فال با نیتی که کرده

۱. ماکو: مکن

۲. مانشی (mānšy): نشین

برداشتی از مفهوم دوبیتی در ذهن مجسم می‌کند. در بعضی از مجالس فال کوزه یک نفر با آدابی که آمد به نوبت ریگ را از کوزه بیرون می‌آورد و حاضران در مجلس به ترتیب هر کدام یک دوبیتی می‌خوانند تا ریگ و نشانه داخل کوزه تمام شود. دوبیتی زیر را نشانه رفتن به سفر زیارت مشهد مقدس می‌دانند.

دل‌م مایه که پیغمبر ببینم

دمی با ساقی کوثر نشینم

بگیرم در بغل قبر رضا(ع) را

حسین(ع) را در صف محشر ببینم

این دوبیتی دربارهٔ کنار گذاشتن شک و دودلی در امر خیر به ویژه خواستگاری و ازدواج است.

چرا امروز و فردا می‌کنی یار

چرا غم در دل‌م جا می‌کنی یار

تنور تابانده‌ای^۳ از کُنده تاق^۴

که می‌سوزم تماشا می‌کنی یار

دو بیتی‌هایی دربارهٔ مسافر و سفر کرده به وطن:

سرکوه‌ها به دو دو می‌روم من

به پابوس گل نو می‌روم من

می‌ترسم که گل نو بار خوا کرد^۵

سه منزل را به یک شو می‌روم من

برخی این دوبیتی را نشانه و علامتی از رسیدن خبر خوش از راه دور می‌دانند:

۳. تاباندن: روشن کردن

۴. کنده تاق: تنه نوعی درخت کویری مقاوم

۵. بار خوا کرد: بار سفر را خواهد بست.

سر قلعه «سده» من می‌گریستم
قلم در دست و کاغذ می‌نوشتم
قلم افتاد و کاغذ باد برداشت
که هرچه در دلم بود می‌نوشتم
بعد از آن که برای تمامی ریگ‌های داخل کوزه
شعر خوانده شد و هر کس تفسیر و تعبیر آن را از زبان
بزرگان شنید، همه خوشحال و خندان مراسم فال کوزه را
با گفتن «مراد حاصل» به پایان می‌رسانند.

میزان باورداشت‌ها به فال کوزه

این مراسم بیشتر در گذشته انجام می‌شده، ولی امروزه
با توجه به شناخت مردم و آشنایی آنها به مسائلی که در
قبل بوده و اکنون در اطرافشان می‌گذرد، به جای تفأل
به ریگ، نخود، آینه و... از دانش و تجربه دیگران بهتر
استفاده می‌کنند و با توکل به پروردگار مَنان به اداره
زندگی و کارهایشان می‌پردازند و می‌دانند که همای
سعادت زمانی به سوی کسی می‌آید که با تلاش و
به کارگیری علوم و فنون و اخلاق پسندیده و تعالیم
پیامبران الهی و اولیای دین راه درست را از نادرست
تشخیص دهد.

روای:

محمدعلی دهقان‌نژاد، ۶۵.